

موسیقی ربع پرده‌ای بر مبنای جهانی

نوشته حسینعلی ملاح

عنوان فوق موضوع بحث و گفتگوی اینجانب با آهنگسازان و موسیقی شناسان کشور اتحاد جماهیر شوروی بود. ^{ایران علم‌انسانی} من به دعوت اتحادیه آهنگسازان اتحاد شوروی از اول شهر یورماه سال ۱۳۴۵ مدت چهار هفته و سه روز در آن کشور اقامت کردم و در مسکو، باکو، تفلیس، لنینگراد و ریگا با آهنگسازان و موسیقی شناسان و محققان نامدار شوروی ملاقات کردم و ضمن تشریح تاریخ موسیقی ایران و عوامل سازنده گامها

۱ - مجله موسیقی مسائل فنی‌ای را که در این مقال عنوان شده و مورد بررسی قرار گرفته است همچون بحث آزادی مطرح می‌نماید و از صاحب نظران و علاقمندان دعوت می‌کند که نظرات خود را درباره اینگونه مسائل عرضه بدارند.

و مقام‌های آن راجع به پیشرفت موسیقی علمی ایران و ایجاد مدارس موسیقی و ارکسترهای گوناگون اطلاعات جامعی به جامعه هنری کشور همسایه خود دادم و بهره‌ها از این مسافرت برگرفتم .

متأسفانه باید بگویم : هنرمندان کشور همجوار و همسایه ما ، چنانکه باید و شاید از غنای موسیقی ملی ما و پیشرفتهائی که شده است آگاهی کافی نداشتند و شناسائی آنها موقوف به استماع چند کنسرت و چند نوار موسیقی بود . وقتی در نخستین جلسه‌ای که با حضور چند تن از آهنگسازان و موسیقی‌شناسان شهر مسکو (در اتحادیه آهنگسازان این شهر) تشکیل شده بود راجع به اهمیت موسیقی ربع پرده‌ای بر مبنای جهانی صحبت کردم توجه حاضران جلب شد و بهمین سبب مدت اقامت اینجانب را که طبق دعوت نامه دو هفته بود به چهار هفته و سه روز تمدید کردند .

اساس این طرح بر این اندیشه استوار بود که : نیاز ملت‌های جهان بر دگرگون ساختن سیستم‌های موجود امری است غیر قابل انکار - و آرزوی موسیقی‌دانهای مغرب زمین بر دست یافتن به عوامل تازه‌ای برای ایجاد این تنوع نیز قولی است که جملگی برآیند - کوشش‌هایی که در این زمینه تاکنون بعمل آمده است مؤید این نیاز و این آرزو میباشد .

برای اینکه موضوع بوجه روشنی تشریح گردد ناگزیرم به سوابق این نیاز و این آرزو و این کوشش‌ها اشاره کنم :

میدانیم که موسیقی غربی پیش از اقدام به تعدیل گامها « Temperament » واجد فواصل ربع پرده‌ای « Quart de ton » یا ثلث پرده‌ای « Tiers de ton » بوده است و این فواصل با مطالعه و مقایسه گام‌های : « دورین - Dorien » و مشتقاتش : « هیپودورین - Hypo dorien » و « هیپردورین - Hyper dorien » و « فریژین - Phrygien » و مشتقاتش « هیپوفرژین » و « هیپرفریژین » و « لیدین - Lydien » و مشتقاتش « هیپولیدین » و « هیپرلیدین » بخوبی مشهود میگردد ، بویژه گام « هیپردورین » که جزو گام‌های آنهارمونیک بشمار می‌آید و درجات اول و دومش نه پرده بود نه نیم پرده .

ولی در قرن یازدهم میلادی یعنی در زمان «گیدودارزو Guido d'Arzzo» که کلاوسن اختراع کردید، فاصله‌های ربع پرده‌ای یا ثلث پرده‌ای مخمل موسیقی علمی و پیشرفت آن تشخیص داده شد و موقتاً کنار گذاشته شد. با این اقدام راهی برای پیشرفت موسیقی چند صدائی باز گردید.

باید گفته شود که اندیشهٔ ایجاد موسیقی چند صدائی یا پولیفونیک دو قرن قبل، یعنی در قرن نهم میلادی پیدا شده بود و در سرودهای مذهبی بنام «ارگانوم - Organum» که در جشن‌های بزرگ مذهبی خوانده میشد ظاهر گردیده بود و ابتدا بصورت «دو صدائی - Diaphonic» و ناری از فواصل ربع پرده‌ای استفاده میشد. تا اینکه سرانجام در قرن یازدهم میلادی با اختراع کلاوسن بکلی این فواصل ربع یا ثلث پرده‌ای حذف گردید (مگر در موسیقی محلی و موسیقی دوره گردان).

بعدها در قرن دوازدهم «لئونین - Leonine» و «پروتین - Perotin» ارگانست‌های کلیسای نتردام - و در قرن سیزدهم سایر موسیقی‌دانها مانند : «ویتری»، «ماشو» و موسیقی‌دانهای مکتب «فلاماند» و «زارلینو» و «پالسترینا» بر این اقدام صحه نهادند و رفته رفته گام‌های موسیقی غربی بر بنیاد دو فاصلهٔ پرده و نیم پردهٔ معتدل شده تثبیت گردید و قواعد استواری برای علم هم آهنگی ابداع شد.

تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این سیستم رواج کامل داشت، تا اینکه «دبوسی» تحت تأثیر نوجوئی هنرمندان و هنرشناسان هم عصر خود بفکر ابداع مکتب جدیدی افتاد و به شیوهٔ امپرسیونیست که در نقاشی آن زمان راه یافته بود گرایش پیدا کرد و سبک امپرسیونیست را در موسیقی بنیان گذاشت و قواعد آرمنی را دگرگون ساخت و از فواصل نامطبوع در آثار خود استفاده کرد و در برخی موارد آکوردهائی بکار برد که مطلقاً با آکوردها و اصوات معمول آن زمان مطابقت نداشت.

دبوسی برای ایجاد تنوع در آثار خود مدتی بمطالعهٔ موسیقی شرقی پرداخت و تحت تأثیر همین مطالعات بود که با جرأت و شهامت، آکوردهای هفتم و نهم را روی تمام درجات گام، و آکوردهای یازدهم و سیزدهم و آکوردهای

ناقص و افزوده و کاسته را بکار برد و با این اقدام لحن جدیدی به موسیقی خود بخشید .

بعد از دبوسی «راول» دنبال شیوه او را گرفت - در اوایل قرن بیستم «اریک ساتی» یکی دیگر از موسیقی دانهای فرانسه گامی فراتر نهاد و شیوه «اکسپرسیونیست» - Expressioniste را در موسیقی وارد کرد و از ترکیب موسیقی کلاسیک و موسیقی جاز مکتب تازه‌ای که اساس آن بر تنوع ریتم بود ابداع کرد .

بعد از جنگ جهانی دوم دامنه نوجوئی در هنر، گسترش بیشتری یافت و شیوه‌های گذشته بی تناسب با نیاز عصر و زمانه تشخیص داده شد - یکی از نوآوران عالم موسیقی را در این عصر باید «شونبرگ» دانست - این هنرمند بسال ۱۸۷۴ در وین بدنیا آمد و بسال ۱۹۵۱ درگذشت - شونبرگ موسیقی دانی است که کلیه قواعد موسیقی را در طبقه بندی «مدها» - Modes و «تونالیت» بهم ریخت و بجای هفت نوت اصلی و پنج نوت فرعی که اساس موسیقی کلاسیک بود سیستم دوازده نیم پرده مساوی و «دودکافونیک» یا موسیقی «اتونال» را بوجود آورد و برای نخستین بار بسال ۱۹۲۴ در سویت اپوس ۲۳ خود این شیوه را بکار برد و با سر نود اپوس ۲۴ برای آواز و کلارینت و سازهای زهی شیوه خود را تکمیل کرد .

پس از شونبرگ، پروان او مانند «برگ» - Berg و «هیندمیت» شیوه او را در موسیقی اتونال تعمیق کردند - هیندمیت در بکار بردن فواصل نامطبوع از دبوسی و شونبرگ پیشی گرفت و به این نحو در موسیقی غربی تحولی ایجاد کرد .

در آمریکا، موضوع نوجوئی در هنرها به نحوی افراط آمیز تجلی و تظاهر کرد و موسیقی دانهای این کشور عظیم از تمام عواملی که ایجاد تنوع و تجدد را موجب میشدند استفاده کردند - یعنی قواعد هم آهنگی را بهم ریختند، «چندمقامی» - Polytonalite را جایگزین موسیقی «تونال» کردند و از اینهم پا فراتر نهادند و مکتب «اتونال» را برگزیدند - به ریتم و وزنهای متنوع روی آوردند و سیستم «ضربهای گوناگون» - Polyrythmie را

معمول ساختند - « فواصل ربع پرده ای یا ثلث پرده ای را که در یونان قدیم معمول بود و از قرن شانزدهم میلادی با تعدیل گام ها از بین رفته بود بار دیگر تحت تأثیر موسیقی شرقی مورد استفاده قرار دادند . »

در این زمینه ابتدا « بوزونی ، ثلث پرده و یک ششم پرده رادر موسیقی وارد کرد و یک « پیانودروم - Pianodrome » برای آن ساخت و بعد توسط « آلویس ها با - Alöis Haba » (موسیقی دان اهل چکسلواکی) بسط داده شد ، او دو کوارتت زهی و دو اپرا بنام های « مادر ، و « بیکاران ، نوشت و از فواصل ربع پرده ای استفاده کرد ، آثار « ها با ، تا آنجا در چکسلواکی با اهمیت تلقی شد که کنسرواتوار پراگ کلاس مخصوصی برای او دایر کرد . این اواخر « سلانیمسکی - Slanimsky » نیز (که یکی از موسیقی دانهای نامدار لنینگراد است) دوائر بر مبنای موسیقی ربع پرده ای ابداع کرد - در همین زمینه « ویشنکاردسکی - Wyschnegardsky » یک سمفنی بر اساس موسیقی ربع پرده ای نوشت .

مراد از بیان این تاریخچه این است که : سیستم تعدیل شده گامها ، چهارصد سال دوام آورد ، ولی رفته رفته از توان افتاد ، و به جایی رسید که دیگر قادر نبود حس نوجوئی موسیقی دانه ها و موسیقی شناسان و علاقمندان به این هنر را اقناع کند ، بهمین سبب مباشران این فن ناگزیر شدند به انواع موسیقی از قبیل : سمبولیک ، اکسپرسیونیست ، دودکافونیک یا اتونال - پلی تونال - ریتمیک و امثالهم دست بزنند - این مکاتب هم قادر نشدند که به نیاز زمان پاسخ مناسب و مطلوب بدهند ، بالاجبار بر آن شدند که به جستجوی فواصل گم شده خود که همان فاصله های ربع یا ثلث پرده ایست بپردازند و از این فواصل برای توانگر ساختن موسیقی خود مدد بگیرند .

کجا میتوانند به این فواصل دسترسی پیدا کنند ؟ بی شک در ایران و سایر کشورهای شرقی .

با این نیت و اندیشه ، کنفرانس ها و کنگره ها تشکیل دادند و از جمله کنگره ای بود بسال ۱۹۶۱ در تهران تشکیل گردید .

اینجانب با آگاهی از این تحول تاریخی ، و اطلاع از غنای موسیقی ملی

خودمان و اعتقاد به کوشش‌هایی که تاکنون در زمینه موسیقی چندصدایی ایرانی توسط موسیقی‌دانهای گرانمایه کشورم شده است در جلسات عدیده چه در کنسرواتورها و اتحادیه‌های آهنگسازان شهرهای مختلف شوروی شرکت مینمودم و سخنرانی میکردم .

لازم است گفته شود که در این سخنرانی‌ها صریحاً تذکار میکردم که مراد من از طرح این مسئله مطلقاً اخذ نظریه یا تصمیم قطعی نیست - بیان این مطالب منحصرأ جنبه معرفی موسیقی ربع‌پرده‌ای ایران را دارد - چنانچه استنباط میشود که این موسیقی قادر است نقشی در توانگر ساختن موسیقی غربی ایفا کند موضوع را جزو دستور جلسات تحقیقی باید قرار داد - بی‌تردید مسائل صداشناسی ، و موضوع تعدیل کردن این فواصل ، و ابداع قوانین آرمنی و اصلاح سازها ، از مواردی است که بعدها باید روی آنها مطالعه کرد و تصمیماتی گرفت .

خوشبختانه در بازدیدهایی که از مؤسسات هنری کشور اتحاد جماهیر شوروی بعمل آوردم به منایمی برخورددم که بوجه مطلوبی میتوانستند مؤید اندیشه و نظریه‌ام باشند .

در بازدیدی که از موزه هنرهای زیبای مسکو موسوم به « گلینکا » بعمل آوردم پیانویی دیدم که بسال ۱۸۵۰ توسط يك کارخانه پیا نوسازی فرانسوی موسوم به « کامپه Kompé » بنا به سفارش « ولادیمیر فدروویچ اودیووسکی - Odoyevsky » موسیقی‌شناس و منتقد نامدار روس و دوست گلینکا ساخته شده است - این پیانو علاوه بر کلاویه‌های پرده و نیم‌پرده واجد کلاویه‌های ربع‌پرده یا ثلث‌پرده نیز هست . چگونگی قرار گرفتن این کلاویه‌های اضافی بوجهی است که مطلقاً اشکالی در نواختن ایجاد نمیکند یعنی کلاویه‌های سیاه را دو نیم کرده اند نیمی از آن را که ویژه استخراج صداهای نیم‌پرده است بهمان رنگ سیاه و نیم دیگر را که خاص استخراج صداهای ربع‌پرده است برنگ قرمز در آورده اند - وسعت صدای این پیانو چهار اکتاو و نیم میباشد .

همچنین در اتحادیه آهنگسازان شهر لنینگراد دو قطعه از سرژ اسلانیمسکی ، موسیقی‌دان نامدار این شهر شنیدم که یکی کواپنتت برای سازهای بادی - و

یکی دیگر : سنات برای ویلنسل بود .

اضافه بر اینها بمن اطلاع دادند که « پرو کفیف ، موسیقی دان مشهور شوروی که بسال ۱۹۵۲ در گذشته است توجه خاصی به موسیقی شرقی داشت و سازی سفارش داده بود بسازند که بتوان فواصل ربع پرده ای را با آن اجرا کرد . آگاهی از این اقدامات مرا در بیان اندیشه خود در مجامع هنری کشور اتحاد شوروی دلیرتر ساخت - در يك جلسه شش ساعته که در اتحادیه آهنگسازان شهر لنینگراد تشکیل گردید - پس از ذکر تاریخ مختصر موسیقی ایران در ادوار گذشته به پیشرفتهای موسیقی در پنجاه سال اخیر اشاره کردم و راه و روشی را که در سیستم موسیقی چندصدائی اتخاذ کرده ایم تشریح نمودم و آنگاه نیاز ملت مغرب زمین را به دست یافتن بیک موسیقی جدید که جنبه جهانی داشته باشد مطرح کردم و به سخنان خود با این جملات پایان دادم :

من افتخار میکنم نخستین موسیقی دانی هستم که بعد از امضای قرارداد فرهنگی میان کشور شاهنشاهی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به این کشور آمده ام و آرزو میکنم این حسن رابطه تا آنجا بسط و گسترش یابد که دو ملت همسایه بیش از پیش امکان بهره مندی از منابع فرهنگی یکدیگر را پیدا کنند - سپس به پرسش های حاضران در جلسه که عبارت بودند از آهنگسازان مشهور و استادان کنسرواتوار و موسیقی شناسان نامدار شهر لنینگراد پاسخ گفتم - همینقدر کافی است گفته شود که ما حاصل این جلسه ابراز نظری بود که رئیس اتحادیه آهنگسازان این شهر بدین مضمون ایراد کرد : « ما تا بحال اطلاع کافی از موسیقی علمی کشور همجوار خود ایران نداشتیم امروز روزنه ای از يك گنج عظیم بروی ما باز شد و ما این توفیق را مدیون حسن رابطه دو کشور میباشیم و آرزو میکنیم این روابط در آینده بیش از پیش توسعه یابد و هنرمندان ما نیز توفیق پیدا کنند از کشور باستانی ایران بازدید نمایند من از طرف خودم و کلیه آهنگسازان شهر لنینگراد از اطلاعات جامعی که راجع به موسیقی ایران دادید صمیمانه تشکر میکنم و دور از تعارفات رسمی باید بگویم اطلاع مادر باره موسیقی ایران چیز دیگری بود و اکنون چیز دیگریست . »

این بود مختصری از هدف مسافرت این جانب به کشور اتحاد جماهیر شوروی که امیدوارم در آینده توسط سایر همکاران گرامیم تعقیب شود - و اما خارج از این مسائل فنی بازدیدهایی نیز از مؤسسات هنری این کشور عظیم بعمل آوردم که به اختصار به چند مورد آن اشاره میکنم :

در بازدیدی که از رادیوی باکو کردم توفیق استماع قطعاتی توسط ارکستر ملی آذربایجان نصیب شد : ابتکار بسیار جالبی توسط ایجاد کنندگان این ارکستر بعمل آمده بود و آن اینستکه : برای اینکه خود را بی نیاز از سازهای آرشه‌ای غربی مانند ویلن ، ویلن آلتو ، ویلنسل و کنترباس کنند دستور داده اند کمانچه را به اندازه‌های مختلف بسازند که این ساز ملی بتواند وظیفه سازهای را که نام بردم در ارکستر انجام بدهد ، طبق این طرح کمانچه معمولی وظیفه ویلن و کمانچه بزرگتر وظیفه آلتو و کمانچه اندکی بزرگتر وظیفه ویلنسل و کمانچه خیلی بزرگ وظیفه کنترباس را در این ارکستر انجام میدهد .

نکته بسیار مهم و قابل ارزش تکنیک عالی نوازندگان کمانچه است - متأسفانه از زمانی که ویلن جای کمانچه را در ایران اشغال کرده است تکنیک نوازندگی کمانچه رو به ضعف و حتی زوال رفته است و در حال حاضر ما نوازنده قابل ملاحظه‌ای که بتواند در ارکستر وظیفه ویلن را با کمانچه بر عهده بگیرد نداریم . من در این دیدار پس از استماع قطعاتی توسط ارکستر سازهای ملی آذربایجان شوروی آرزوی بسط رابطه بیشتری را میان هنرمندان دو کشور کردم و مخصوصاً بخود امید دادم که انشاءالله بجایی برسیم که بتوانیم سطح تکنیک نوازندگان کمانچه خود را با معاضدت نوازندگان آذربایجان شوروی بجایی که مطلوبمان هست برسانیم .

محض تنوع مطلب بد نیست تذکاری از يك خاطره پر معنا بشود ضمن بازدیدی که از اطاقها و تالار کنسرواتوار شهر لنینگراد بعمل می‌آوردم به سرسرای رسیدم که با چهارپله سنگی به صحنه تالار بزرگ کنسرواتوار منتهی میشد - معاون کنسرواتوار که راهنمای من بود وقتی به این چهار پله سنگی رسیدیم مرا از رفتن بازداشت و با تمهیدی چنین گفت : این کنسرواتوار در

سال ۱۸۰۲ تاسیس شده است و چند تن از شخصیت‌های برجسته موسیقی از قبیل: چایکوفسکی - روبینشتاین - پروکوفیف و شوستاکوویچ از همین کنسرواتوار فارغ‌التحصیل شده‌اند - این چهار پله سنگی خاطرات تلخ و شیرین زیادی دارد چه بسیار کسان که از این پله‌ها با امید و آرزو و دلهره بالا رفته‌اند و با موفقیت مراجعت کرده‌اند و چه بسیار کسان که شایستگی نداشته‌اند و سرافکنده بزمیر آمده‌اند .

موضوعی که در تعلیمات رشته موسیقی نظر مرا جلب کرد تشخیص استعدادهاست که از طفولیت انجام میگیرد - یعنی وقتی از پنج سالگی طفلی در کودکستان به موسیقی رغبت نشان داد دیگر نمی‌گذارند که استعداد این طفل کشته شود یا به هرز برود تمام موجبات کار و تحصیل را برای این قبیل اطفال و نوجوانان و جوانان فراهم می‌آورند و آینده آنان را تأمین می‌کنند و با تشویق‌ها و حمایت‌های قابل ملاحظه محیط مساعدی برای ابراز هنر و ابداع آثار پرارج برای آنها فراهم می‌سازند ، به همین سبب‌هاست که وقتی کسی رشته موسیقی را به پایان رسانید در غم تأمین معیشت زندگانی نیست و جز کار خودش کار دیگری نمی‌کند و بهمین دلایل است که در هنر خود شاخص میشود .

اتحادیه‌های آهنگسازان علاوه بر اینکه وظیفه حفظ حقوق و منافع موسیقی‌دانهای کشور را برعهده دارند مراکز نیست که دلیرانه و بی‌پروا آثار هنرمندان را ارزش‌یابی میکنند - در حقیقت این مؤسسات را که در تمام جمهوریهای شوروی وجود دارد باید در حکم مرکز سنجش هنری اتحاد شوروی بشمار آورد ، از این مراکز است که هدایت و رهبری هنری اعمال میشود .

در بازدیدی که از موزه هنرهای زیبای مسکو موسوم به گلینکا بعمل آوردم مشاهده کردم که برای معرفی سازهای کشورهای مختلف جهان غرفه‌هایی موجود است ولی متأسفانه غرفه‌ای که معرف سازهای ملی ایران باشد وجود ندارد - این موضوع سخت بر من گران آمد و تصمیم گرفتم سه‌تار نفیس و گرانبهای خود را که در این سفر به‌مراه برده بودم برای ایجاد غرفه سازهای ملی ایران تقدیم موزه نمایم - در جلسه رسمی که در خانه دوستی ملتهاتشکیل

شده بود این تصمیم خود را عملی کردم و ضمن اهداء چند جلد کتاب و چند حلقه نوار موسیقی سه تار خود را بعنوان اولین سازی که ایجاد کنندهٔ غرفهٔ ایران در موزه هنرهای زیبای مسکو خواهد بود تقدیم نماینده موزه مزبور نمودم. در آخرین جلسه‌ای که در اتحادیه آهنگسازان شهر مسکو با حضور آهنگسازان نامدار این شهر (بجز شوستاکوویچ و خاچاتوریان که اولی بیمار بود و دومی در مسکو حضور نداشت) و موسیقی‌شناسان و استادان کنسرواتوار مسکو و استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه مسکو و چند تن از دانشجویان این رشته و خبرنگاران و نمایندگان رادیو مسکو و رادیو اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده بود - موسیقی ایرانی از نظر تاریخی و تحول تدریجی و پیشرفتهای اخیر معرفی شد و چند حلقه نوار از انواع موسیقی از قبیل: سازتنها - ترانه‌ها - جاز - سمفونیک و قطعاتی که همراه ارکستر سازهای ملی ضبط شده بود بسمع حاضران رسید و سرانجام اظهار نظر استادان موسیقی آغاز گردید - در این جلسه: پروفیسور «کنی پر»، آهنگساز - پروفیسور «وینو گرادف» (موسیقی‌شناس مشهور که بنمایندگی کشور شوروی در کنگره سال ۱۹۶۱ در تهران شرکت کرده بود) پروفیسور «فره - Ferré» استاد کنسرواتوار مسکو - پروفیسور «بلایف» موسیقی‌شناس نامدار شوروی (که شرح بر رساله موسیقی جامی او مشهور است) و چند تن دیگر صحبت کردند...

متن اظهارات این هنرمندان تند نویسی شده و در اختیار اینجانب است - من قسمتهائی را که جنبه کلی و ابراز نظر منطقی دربارهٔ موسیقی شورمان را دارد (با حذف جمله‌هائی که دربارهٔ نوازندگی سه تار من و آثار خود من است و تذکار آنها جنبهٔ خودستائی بخود میگیرد) در اینجا نقل میکنم:

پروفیسور وینو گرادف پس از تحلیل نکات مثبت و منفی آثاری که شنیده بود اظهار داشت: «ما به فعالیت‌های ارکستری شما و سایر موسیقی‌دانهای ایرانی با احترام کامل نگاه می‌کنیم ولی باید گفت برخی از کارها به بیراهه می‌رود. راجع به انتخاب طریقی برای استفاده از فواصل سری و کرن و سایر خصایص موسیقی ایرانی از مسائلی است که جداً مورد علاقهٔ ما و شماست... بعضی از این آثار جنبهٔ تحقیق و مطالعه و جستجو دارد و کوشش بزرگی در

رشته موسیقی ربع پرده ایست ولی صدیقانه باید بگویم برخی دیگر اثری از فکر عمیق و فعالانه نداشت. چگونه میشود ما را بیش از پیش با عوامل فعلی موسیقی ایرانی آشنا کرد از مسائلی است که تصور میکنم حسن رابطه میان دو کشور پاسخ گوی آن باشد.

رئیس کتابخانه اتحادیه آهنگسازان با شور و اشتیاق زایدالوصفی چنین ابراز نظر کرد:

« برای کسانی که آلات سیمی مینوازند درک فواصل ربع پرده ای سهل تر و آسان تر است - من خود ویلن مینوازم - سی و پنج سال پیش رهبر آنسامل رادیو داغستان بودم و برای اولین بار این فواصل خاص موسیقی مشرق زمین را در آن شهر بوسیله تار و کمانچه شنیدم و لذت بردم ولی سه تاری را که امروز شنیدم مرا بیست سال جوانتر کرد، اگر همه میتوانستند مثل من از این موسیقی لذت ببرند یقین بدانید که تا بحال طرح شما جامه عمل بخود پوشیده بود.»

پروفسور « فره - Ferré » استاد کنسرواتوار مسکو اظهار داشت:

« ... ارتباط میان دو تمدن شرقی و غربی یکی از مسائل مهم روزگار ما است، زیرا در هیچ عصر و زمانه ای نفوذ متقابل تمدنها در جهان و حتی در کشور خود ما تا این اندازه نبوده است - موضوع موسیقی ربع پرده ای برای موسیقی دانهای شوروی یکی از مسائل مورد علاقه و جدی است زیرا برخی از ملت های کشور مادر موسیقی خود و اجداد این فواصل هستند مانند تاجیک ها آذربایجانها که همسایه و برادر ایران هستند - موضوع عمده پیدا کردن راهی است برای تلفیق این دو سیستم با یکدیگر ... بنظر من کوشش های آقای وزیر در کشور شما رشد و تکامل عظیمی به موسیقی شما داده است ... من با عقیده شما در مورد تلاشهایی که در مغرب زمین برای یافتن فواصل کم شده بعمل آمده است موافق هستم البته این عقیده شخصی من است و معتقدم که این تلاشها و فعالیتها حکم طلایه یا واحدهای یورش گر را دارد. من از صمیم قلب معتقدم که باید در مورد عواملی که در موسیقی غربی وجود ندارد اقدام منطقی و عاجلی بعمل آورد ... در مورد آثاری که شنیدم انحراف نظری با عقیده آقای پروفسور « وینوگرادف » ندارم - ... صمیمانه میگویم اگر تحسینی راجع به برخی از

آثار میشود حمل بر مهمان نوازی نباید کرد بنا بر این آرزو میکنم هر چه بیشتر موسیقی دانه‌های ایرانی به کشور ما بیایند و آهنگسازان شوروی امکان بدست بیاورند که از ایران بازدید بعمل آورند زیرا این دیدارها سهم بزرگی در دوستی و تحکیم روابط میان ایران و شوروی خواهد داشت ... »

پروفسور «کنی پر» که یکی از موسیقی دانه‌های نامداز شوروی است و دوبار به ایران مسافرت کرده و هر بار چند ماه در ایران اقامت داشته و با موسیقی ملی ما آشنائی بسیار دارد و اخیراً نیز اثری بدیع و زیبا بنام «دستگاه» ساخته که در آن از مقام‌های چهارگانه و همایون و قسمتی از اصفهان استفاده کرده است -- چنین ابراز نظر کردند :

« من دوبار در زندگی خود به ایران مسافرت کرده‌ام و مدت نسبتاً طولانی در این کشور اقامت نموده‌ام من هوای ایران را استنشاق کرده‌ام با مردم ایران آمیزش نموده‌ام آثار تمدنهای باستانی و جدید و پرارزش ایران را از نزدیک لمس کرده‌ام و به مینیا تور ایران عشق ورزیده‌ام و چنان به موسیقی این کشور مهر پیدا کرده‌ام که گوشه‌های موسیقی ایرانی همچون زنجیری بوجود من متصل گشته است ... من عاشق این کشور شدم و این میرساند که روح مردمان و هنرآنان را درک کرده و به آنها دل بسته‌ام و گرامیشان میدارم در این مدتی که آهنگها و ترانه‌های ایرانی پخش میشد و ما گوش میدادیم من در ذهن خود اینها را با آنهائی که در سال ۱۹۴۰ در ایران شنیده بودم مقایسه میکردم ... اجازه بدهید بیهوده وقت گرانبهایمان را تلف نکنم من کاملاً با عقیده آقای «وینوگراف» موافق هستم و اضافه می‌کنم برخی از آثار که امروز شنیدم مطلقاً قابل مقایسه با آهنگهایی که بیست و دو سال پیش شنیده بودم نبود - باید بگویم يك احساس خوش بینی در من بیدار شد -- معمولاً ما در ابراز نظر نسبت به آثار ملت‌های در حال رشد که تازه قدم به صحنه هنری بعنوان يك «پرفسیونل» میگذارند تخفیف‌هایی قایل میشویم ولی باید بگویم در مورد سه تاری که اینجا شنیده شد و برخی از آثار، بهمانگونه قضاوت می‌کنیم که مثلاً اثری از شوستا کوویچ و یا سایر آهنگسازان شوروی را داوری مینمائیم بدون هیچ تخفیفی - من

رضایت کامل داشتم و لذت فراوان بردم من بدون در نظر گرفتن اینکه این موسیقی موسیقی ایتالیائی است یا موسیقی روسی یا موسیقی کشوری دیگر بعنوان يك موسیقی شناس میگویم موسیقی خوب همیشه خوب است من با انطباق دو سیستم موسیقی شرقی و غربی کاملاً موافقم اما باید با نظر والاتر و وسیع تری به این امر نگاه کرد .

در کوچه در خیابان در همه جا عواملی برای استفاده هنرمند خوابیده است فقط باید بینش داشت و دست دراز کرد و نخبه هایش را گردآوری کرد . قطعات جاز و موسیقی سبک راهی برای پیشرفت نیست این راهی نیست که سزاوار گام برداشتن در آن باشد پرده ای نیست که چون کنار برود راه جدیدی در پس آن برای موسیقی ایرانی نمودار گردد . کوشش و تلاش برای بدست آوردن موفقیت آنی یا کسب شهرت و ثروت ، طریق درستی فراراه هنرمند نمیگذارد . . . خیلی معذرت میخواهم ، دارم درددل می کنم ، دل من با اینکه هفتاد سال تپیده است ولی هنوز گرم است و آرزوها و امیدها نسبت به برادران ایرانی خود دارد . آرزو میکند موفقت های بیشتری نصیب هنرمندان این کشور بشود . . .

در همین جلسه اثر بدیع و جالب پروفیسور کنی پر موسوم به دستگاه شنیده شد و از من خواستند که در مورد این قطعه زیبا نظریه ای ابراز کنم . . . من پس از مقدمه ای گفتم : « من افتخار می کنم که موسیقی کشور عزیزم را با تنظیم و اجرائی بسیار عالی و زیبا درمسکو شنیدم این نیست جز بهره و ثمره حسن رابطه میان دو کشور . اگر آقای پروفیسور کنی پر به ایران نیامده بودند با موسیقی کشور من آشنا نشده بودند آیا میتوانستند اثری چنین بدیع و زیبا بوجود بیاورند ؟ من آرزو میکنم این حسن رابطه ای که موجود است تا آنجا بسط و گسترش یابد که کنی پرها به ایران بیایند و از موسیقی کشور من الهام بگیرند . . . یکی دیگر از دیدارهای جالب من ، ملاقات با هنرمند شایسته اتحاد شوروی آقای نیازی است . نیازی علاوه بر اینکه یکی از رهبران ارکستر سمفونیک روسیه شوروی است و شهرت جهانی دارد نماینده مجلس ملی آذربایجان شوروی نیز میباشد . این هنرمند با مهربانی بسیار مرا با آثار خود آشنا کرد

و با حوصله تمام به گفته‌های من
 گوش داد - من در مدت اقامت
 چهار روزه خود در باکو سه بار
 با این هنرمند ملاقات کردم و
 چنان تحت تأثیر هنر او و مهر با نیش
 قرار گرفتم که با اینکه شاعر
 نیستم دو بیتی در وصف او بداهتاً
 سرودم و محض حسن ختام این
 دو بیت را در اینجا نقل میکنم
 و بمطلب خود خاتمه میدهم .



نیازی هنرمند شایسته شوروی

نیازی را نیازی برثنا نیست
 برون از حد تحسین است کارش
 نیازماست از دادار بیچون
 که شادان باد و خرم روز گارش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

نقد ادبی

استاد محترم آقای علینقی وزیری
موسیقی‌دان نامدار و گرانمایه ایران و
استاد دانشگاه تهران نامه‌ای به آقای
حسینعلی ملاح دربارهٔ مقالات شرحی بر
رسالهٔ جامی، که بقلم ایشان در مجلهٔ موسیقی
چاپ شده است مرقوم فرموده‌اند - با
اینکه مطالب این نامه تقریظ و تحسینی
است از کوشش‌های سودمند و اجدارزش
آقای ملاح در تهیه این شرح ولی چون
میتواند مؤید توجه خاص مجلهٔ موسیقی
در تهیهٔ آثار عمیقی باشد عیناً بچاپ آن
مبادرت میشود.



بتاریخ ۴۵/۹/۱۴

نورچشم عزیز و شاگرد گرامیم آقای حسینعلی ملاح

شرحی را که بر رسالهٔ موسیقی جامی نوشته‌اید از ابتدا تا انتها با دقت
بسیار خواندم - دور از هر گونه تعارف و جانبداری باید بگویم که الحق
کوششی سودمند و تحقیقی عالمانه انجام داده‌اید - من تا بحال کمتر رساله‌ئی
در زمینهٔ موسیقی قدیمی ایرانی تا این پایه منقح و پاکیزه و روان و عاری از
اشتباه و نادرستی دیده‌ام، اگر این شیوهٔ تحقیق در زمینهٔ موسیقی قدیمی ایرانی
تعمیم پیدا کند موسیقی‌شناسان این روزگار و روزگاران آینده بهتر و آسوده‌تر
میتوانند از متون قدیمی بهره‌مند شوند .
من صمیمانه توفیق شمارا در احیاء سایر نسخه‌های خطی مربوط به موسیقی
قدیم ایران آرزو میکنم .

علینقی وزیری